



زندگی امام خمینی «قدس سره»



حجۃ الاسلام رحیمیان

نامه دانش آموزان کلاس پنجم دبستان دخترانه فاطمیه
تهران:

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام بر امام عزیز و بزرگوارمان خمینی روح خدا. امام عزیز، ما بچه های کلاس پنجم جهاد مدرسه فاطمیه هستیم. چون در کتاب دینی ما نامه امام محمدتقی علیه السلام را به فرماندار سیستان و نصیحتهایی را که امام، به ایشان کرده اند، نوشته، ما هم تصمیم گرفتیم که برای شما نامه ای نوشته و شعرا را نصیحت کنیم. ولی اماما، ما شما را نمی توانیم نصیحت کنیم. زیرا شما بزرگوارید و از همه گناها به دورید. شما آن امام بت شکنی هستید که مدت ۴۰ سال است نمازهای شبستان ترک نشده. ای بزرگی گه ما را از فقر زشتی ها و فسادها و بی ایمانی ها به ساحل نجات رساندی. ما در این ماههای عزای محرم و صفر، عزا می گیریم زیاد نمی خندیم و سینه زنی و نوحه خوانی می کنیم. چون شما به آن تاکید کرده اید. اماما، اگر می توانستیم که چهره پاک و نورانی شما را از نزدیک ببینیم خیلی خوب می شد. ولی باز شکر که لیاقت آن، برای ما پیدا شده که برای شما نامه بنویسیم. ای خمینی عزیز و جانمان، شما پدر همه ما بچه ها هستید. ای پدر بزرگوار، ما شما را به اندازه ریگهای روی زمین، آبهای توی دریا و ابرهای آسمان دوست داریم. اماما، ای کاش مسئولین مدرسه وسایلی فراهم کنند که ما بتوانیم از نزدیک شما را ببینیم. همه ما امیدواریم یک بار هم که شده در عمرمان تورا ای آنکه وصفت را فقط خدا می تواند بکند. ببینیم. ای امام عزیزمان،

خواهش می کنیم از اینکه از شما تعریف کردیم ناراحت نشوید. به خدا، قلم در وصف شما خود می رود و نمی توانیم جلوی آنرا بگیریم. اماما، بدان که ما مانند مردم کوفه تورا تنها نخواهیم گذاشت. اماما ما از همین بچگی نماز می خوانیم، مقنعه سر می کنیم. برای مبارزه با آمریکای جنایتکار و شوروی کثیف و برای کوری چشم دشمنان حتی ورق دفترمان را تا آنجا که بتوانیم نمی کنیم. ای امام عزیزمان، بگذار آخرین حرفهایمان را گویند که دلمان نمی خواهد نامه را تمام کنیم، بنویسیم. ای امام عزیز، تو مانند قلمی می مانی که همیشه سعی داشته ای و سعی می کنی که بر روی کاغذ دلها، نام خدا را بنویسی. اماما، ما بچه های کوچک از ته قلبمان، سه خواهش از شما داریم و امیدواریم لیاقت آنها را داشته باشیم. اول آنکه ای پدر بزرگوارمان، ای پسرجماران، ای روح خدا با خط زیبای خودتان برای ما جواب بنویسید و ما و آموزگارانمان را در آن نصیحت کنید. دوم آنکه عکسی از خودتان را با امضاتان همراه آن برای ما بفرستید و در آخر آنکه امام جان، در روز قیامت شفاعت ما بنده های گناهکار را از خدا بکنی. جان همه ما فدای یک لحظه عمر تو، ای رهبر عزیز که هنوز ما مسلمانان قدر تورا نمی دانیم. آقای خمینی عزیزمان، با چشمانی مشتاق، منتظر جواب نامه شما هستیم. تو ای صدام پست و ای ریگان خائن، ای بگین بی حیا، بدانید که خون بر شمشیر پیروز است، این گفته روح خدا امام است. خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار. از عمر ما بکاه و به عمر او بیفزای. از صحنه روزگار منافقین رو بردار. ستارگان چو رفتند تو خورشید رو نگه دار.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



پاسخ امام

بسم الله الرحمن الرحيم

ارسلت خمینی روح خدا

لاسرینیم جبارمدرسه فاطمیة حسنین . چون در کتاب دید

ایچو راکه امام خدا
فرزندان عزیزم ، نامه محبت آمیز شما را قرائت کردم کاش شاگردان عزیزان را
نصیحت میکردم که محتاج آنم . هیهت ، نشاط و خرمی در سهایتان در خواب
بخوابید . در بیان اول بوی تفهیم کادین از رسیدن زودتر کنید
و امدت خود را بکنید . دائمی و مبرک برادران را در انان را نصیحت
نمایید . دانند از خود در مکتب و معمل بیتان حرام زیاد بکنند
سعی کنید بر سر علم و عمل رسیدی و کشور خودتان مفید بنشینید
در فرزندان عالی سادت و سارت دوستی در علم و عمل برارید
در پیمان آرزو کنید مع ۲۹ شهریور ۱۴۰۳
روح الله الموسوی الخمینی

نامه یک خانواده شهید:

بسمه تعالی

محضر مبارک رهبر عظیم الشأن انقلاب اسلامی آیت الله العظمی امام
خمینی حفظه الله تعالی
ضمن سلام ، سلام یک خانواده شهید عزیز از دست داده و داغدار را
به آن مرجع دلسوز و بیدار به قلب پاک شما می رسانم . ای عزیز دل
خانواده های شهدا و ای کسی که نامت تسکین دهنده دل سوخته مادران و
پدران در سوگ نشسته ، بدان که ما نه تنها ناراحت نیستیم بلکه بهترین
لحظه های زندگی ما آن لحظه ای بود که خبر شهادت فرزندانمان را شنیدیم
و در صف خانواده های شهدا قرار گرفتیم . حال تقاضا مندیم که لطف
نموده خط مبارک و امضای خویش را به عنوان یادگاری و تبرک به این
خانواده ارسال دارید . در انتظار نامه شما در پائین همین نامه هستیم .

پاسخ امام

بسمه تعالی

من افتخار می کنم به امثال شما شهید پروران شجاع منعهد ،
خداوند شهید عزیز شما را رحمت و به شما و دیگر بازماندگان
صبر و سعادت دهد .

روح الله الموسوی الخمینی

مکتب امام خمینی روح الله الموسوی الخمینی
فرزندان عزیزم ، بنانی که شهید پرورید
شما معتمدان فرزندان شهید عزیزان
رحمت و برکت و برادران مبارک را روح پرورید

نامه مادر یک اسیر که همراه با نامه رمزی فرزندش برای امام فرستاده بود:

بسمه تعالی

خدمت مسئول محترم دفتر امام
سلامت علیکم . پس از عرض سلام و آرزوی موفقیت برای شما
نظر به اینکه پسر اینجانب مدت ۸ ماه است که در قید اسارت
صدامیان کافر می باشد . اخیراً در نامه اش نوشته است که خیلی دلم برای
پدر بزرگم حاج آقا موسوی تنگ شده است و ما چون نمی توانیم بعلت

بسمه تعالی

فرزندان عزیزم ، نامه محبت آمیز شما را قرائت کردم . کاش
شما عزیزان مرا نصیحت میکردید که محتاج آنم . امید است با
نشاط و خرمی در سهایتان را خوب بخوانید و در همان حال
بوظائف اسلامی که انسان ها را می سازد عمل کنید و اخلاق
خود را نیکو کنید و اطاعت و خدمت پدران و مادران را
غنیمت شمارید و آنها را از خود راضی کنید و به معلمایان
احترام زیاد بگذارید . سعی کنید برای اسلام و جمهوری
اسلامی و کشورتان مفید باشید . از خداوند تعالی سلامت و
سعادت و ترقی در علم و عمل برای شما نورچشمان آرزو
می کنم . سلام بر همه شماها .

۲۹ شهر صفر ۱۴۰۳ . روح الله الموسوی الخمینی



محدودیت برای ایشان عکس یا پوستر امام را بفرستیم. لذا خواهشمندیم در صورت امکان نامه ای را که خدمتتان تقدیم می کنیم به حضرت امام مدظله العالی بدهید تا ایشان برای تبرک و تسلی دل این فرزندان عزیز ما که در زندانهای تاریک و نمناک عراق بسر میبرند چند سطر مرصوم بفرمائید. ضمناً با عرض معذرت آخر نامه را با امضاء «پدر بزرگت حاج آقا موسوی» ختم نمائید. خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار. از عمر ما بکاه و بر عمر او بیفز. آمین یا رب العالمین. مادر یک اسیر.

فرازی از نامه رزمنده اسیر:

... دلم برای تک، تک شما تنگ شده است. اقا دلم برای یکی دیگه خیلی تنگ شده. نمی دونی چقدر دلم برات تنگ شده. اونم پدر بزرگ عزیزم حاج آقا موسوی است. و یکی دیگه هم که سفارش می کنم برای شرکت در مراسم هفتگی دانشگاه...

به حال تحقیر بر دامت گذاشتیم به ما فرزندان فرمودی اگر لایق باشیم، دست و بازویشان را می بوسم. دانی چرا چنین شاعرانه می گویم. دیده ای پروانه را گرد شمع مجنونوار، فقط سر سودای وصال نور دارد، من الآن چنینم و یاد وصال در خاطرم هست که از او دورم اقا عیان می بینم که گر مولایت بخواهد بزودی شاید تو را ببینم و گرنینیم وعده ما بر سر حوض با مادرت. انشاء الله. خدا حافظ. التماس دعا. (پدر ما را خلال کن).

۶۶/۴/۲۲

پاسخ امام

بنام خدا

فرزند عزیزم، نامه شما که از سلامت مزاجتان بحمدالله خبر داد واصل شد و موجب خورسندی از این جهت و افسردگی از جهات دیگر شد. عزیزم ما سلامت هستیم و به شما و سایر دوستان در بند دعا می کنم. شما نگران نباش این نحو گرفتاریها برای دوستان خدا همیشه بوده و موجب بلندی مقام و رحمت خدا هست. امیدوارم بزودی ممکن با سلامت به وطن خود باز گردید. به دوستانتان سلام مرا برسانید خداوند به شماها صبر و اجر عنایت کند.

عبدالله

بنام خدا

پاسخ امام

فرزند عزیزم، نامه شما واصل شد. امید است انشاء الله بزودی خلاص شوی. ما برای شما نگران هستیم لکن خدا بزرگ است. انشاء الله موفق باشی صبر کن که خدا با صابران است. والسلام پدر بزرگت.

بنام خدا

فرزند عزیزم نامه شما و مهرش به دست ما رسید و خوش شوی، ما برای شما نگران هستیم لکن خدا بزرگ است و موفق نیز میسر کن که خدا با صابران است و والسلام پدر بزرگت

نامه یک رزمنده اسیر در عراق:

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم اياك نعبد و اياك نستعين

مادرم سلام، این نامه مخصوص پدر بزرگوارم هست. پدر عزیز و هادیم و مایه دانائیم و دارای روح خدائیم سلام علیکم. گرچه مشکل است معرفت قدر تو. اما این جملاتی است تقدیم به قلب تو. وصفت را از چند چیز پرسیدم از کوه، گفت از من استوارتر. از دریا، گفت از من خروشان تر. از خورشید، گفت از من تابانتر. گاهی که سر اتقیاد

استر مائنه
FAMILY NEWS OF A STRICTLY PERSONAL NATURE

MESSAGE

نام خدا

فرزند عزیزم نامه شما که در سلامت مزاجتان بحمدالله خبر داد واصل شد و موجب خورسندی از این جهت و افسردگی از جهات دیگر شد. عزیزم ما سلامت هستیم و به شما و سایر دوستان در بند دعا می کنم. شما نگران نباش این نحو گرفتاریها برای دوستان خدا همیشه بوده و موجب بلندی مقام و رحمت خدا هست. امیدوارم بزودی ممکن با سلامت به وطن خود باز گردید. به دوستانتان سلام مرا برسانید خداوند به شماها صبر و اجر عنایت کند.



نامه یک خانم خانه دار: *****

پاسخ امام

بسم الله الرحمن الرحيم

بسمه تعالی

بنام خداوند بخشنده مهربان خدمت رهبر کبیر انقلاب و نایب برحق امام زمان سلام. امیدوارم این سلام گرم و ناقابل من را که از فرسنگها راه دور می آید بپذیری. سلامی مملو از مهر و محبت. سلامی که از اعماق قلبم برمی خیزد و به سوی شما می آید. سلامی که از این تونلهای پرپیچ و خم جاده ها گذشته و هزاران خاطره های گوناگون دربرگرفته و برای شما بازگو می کند. سلامی که از وجود اینجناب به شما امام عزیز گزارشها می دهد. انشاء الله که حالت خوب بوده و در پناه ایزد متعال به سلامتی هرچه تمامتر زندگی کنی و در پناه امام زمان خوش و خرم باشی.

خواهرم، نامه محبت آمیز و هدیه ای که فرستاده بودید واصل شد. از شما تشکر می کنم و امیدوارم خداوند متعال شما و فرزندانتان را سلامت و عافیت و سعادت دین و دنیا و آخرت عنایت فرماید. چون میل دارم که خود شما از هدیه ای که برای من فرستاده اید و آن را قبول نموده ام استفاده کنید لهذا برای شما فرستادم. والسلام علیک ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمینی

نامه یک دختر بچه: *****

بسمه تعالی

محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی دام ظلّه سلام عرض می نمایم. سلام علیکم. هرچند قلم قاصر است و نمی توانم برای شما فرزند پاک رسول الله نامه بنویسم اما می بخشید که به خود این جرأت را داده ام. امام عزیز این هدیه ناقابل را بنده حقیر به شما تقدیم می نمایم. امیدوارم که قبول بفرمائید. خداوند انشاء الله عمر ما برکت شما را تا ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداه طولانی بفرماید. امیدوارم که ما را در آن دنیا از شفاعت خود بی بهره نگذاری. امام عزیز جواب نامه مرا با دست خط مبارک خودت بنویس که این هدیه بدست شما رسیده است بیشتر از این مزاحم اوقات شریف و گرانبهایتان نمی شوم. از شما می خواهم که برای من دعا بفرمائید که خداوند به من و همه توفیق خدمت به اسلام عنایت بفرماید. والسلام التماس دعا.

دختر کوچک شما- عاملی

پاسخ امام

بسمه تعالی

دخترم، هدیه شما واصل و موجب تشکر شد. انشاء الله تعالی موفق و سعادتمند باشید. والسلام علیک ورحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی

شریف و گرانبهایتان نمی شوم از شما می خواهم که دعا بفرمائید که خداوند به من و همه توفیق خدمت به اسلام عنایت و السلام التماس دعا بفرمائید که خداوند به من و همه توفیق خدمت به اسلام عنایت بفرماید. والسلام التماس دعا.

من زنی ۳۳ ساله هستم که شش دختر دارم. من گردنبندی که از دسترنج خودم تهیه کردم برای شما فرستادم امیدوارم که قبول فرمائید.

امام عزیز، ما شما را خیلی دوست داریم و خیلی دلمان می خواهد شما را زیارت کنیم. ولی چون نمی توانیم به دیدن شما بیاییم می خواهیم یک چیزی از شما داشته باشیم. از شما خواهش می کنیم که جواب نامه را بدست خودت برایمان بفرستی و همراه آن یک دعا برایمان بنویسی که بخوریم تا سالم باشیم. دیگر عرضی ندارم جز سلامتی شما. خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار. از عمر ما بکاه و به عمر او بیفزای. به امید پیروزی اسلام. زهرا جعفری

حجاب نما با نایب انقلاب خمینی را نگه دار از عمر ما بکاه و به عمر او بیفزای

بسمه تعالی
خواهرم نامه محبت آمیز و هدیه ای که فرستاده بودید واصل شد. از شما تشکر می کنم و امیدوارم خداوند متعال شما و فرزندانتان را سلامت و عافیت و سعادت دین و دنیا و آخرت عنایت فرماید. چون میل دارم که خود شما از هدیه ای که برای من فرستاده اید و آن را قبول نموده ام استفاده کنید لهذا برای شما فرستادم. والسلام علیک ورحمة الله



من مجتبی سلیمان خاکسار از دزفول، ۱۲ ساله می باشم. یازها این آرزو را داشتم که خدمت شما برسم و از نزدیک شما را ببینم و افتخار و اعتماد به نفس کنم. اما متأسفانه از بخت بد تا حالا نتوانسته ام صورت مبارک شما را زیارت کنم حالا امیدوارم جواب نامه ام را با خط خودت بنویسی تا با نگاه کردن خط مبارکتان افتخار کنم و دوست دارم برابم دعا کنی. خدا حافظ شما

پاسخ امام

بسم الله الرحمن الرحیم
 در جواب آرزوی
 بزرگ و عزیزانه تان که
 رهبر عزیزان منم
 ع.ع.ع

بسمه تعالی

انشاء الله تعالی موفق باشید و خداوند به شما برکت مرحمت فرماید.

روح الله الموسوی الخمینی

درخواست دستمال :

محضر مبارک مرجع تقلید شیعیان جهان و رهبر کبیر انقلاب اسلامی

ایران

بعد از عرض سلام، این بنده ناقابل، من زبانم عاجز و قلمم شکسته است که در برابر کسی که چون ابراهیم بت شکست و نمرودیان را هلاک کرد و چون عیسی با دم مسیحانی خود ملت ایران را زنده کرد و چون جدش حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم بت پرستی را ریشه کن و اسلام را جانشین آن کرد و مصائب و شکنجه ها را به جان خرید.

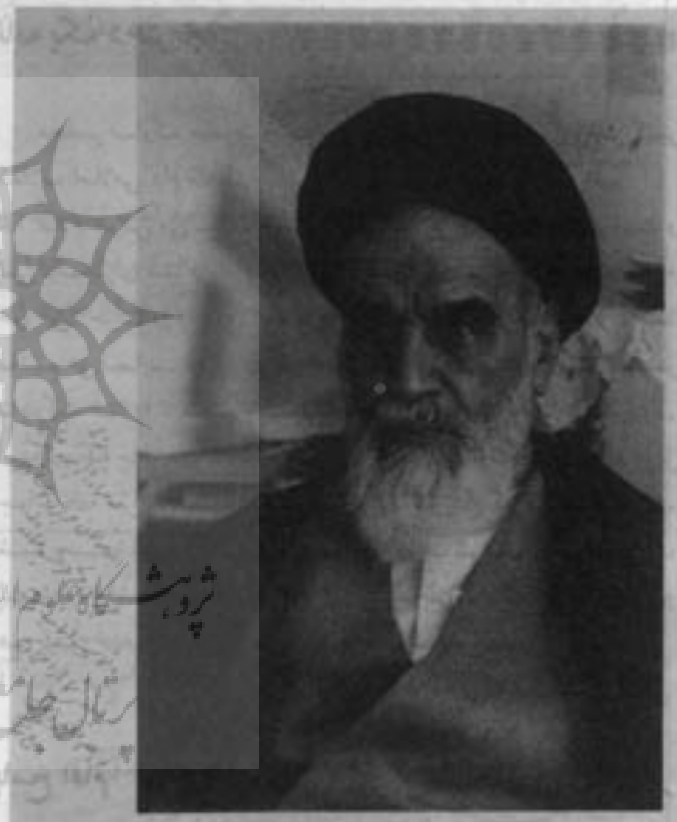
ای امام عزیز، ای که همه عمر من و بچه هایم فدای یک لحظه عمر شما، ای ناجی ملت های دربنده، ای کسی که محرومان و ستمدیدگان جهان چشم امید به تو دوخته اند. بنده ناقابل خواهشی کوچک از وجود بزرگ شما پدر بزرگوار دارم. حال که دستم به امام زمانم نمی رسد، از نائب عزیزش می خواهم که یک تکه از لباس یا چیزی که بدست مبارکتان تیرک شده باشد، برای بنده ناقابل بفرستید تا در قبر به همراه داشته باشم.

خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار. از عمر ما بگناه و بر عمر او بیفزای.

فدائی شما. ز. ر.
 آدرس- اصفهان- دستگرد خیابان کشاورزی
 - نامه فوق به عرض حضرت امام رسید که فی الحال برخاستند و دستمالشان را- که بسیار تمیز و مثل برف سفید بود- آوردند و برای ارسال جهت نویسنده نامه لطف فرمودند که بوسیله پست فرستادیم.

اینجانب دست و بازوی شماها را می بوسم!

عکس فوق را یکی از بچه های بسیار خوب جبهه جنوب در دی ماه ۱۳۶۵ نزد اینجانب آورد و گفت می خواهیم آن را برای اهداء به رزمندگان تکثیر کنیم. آن را خدمت حضرت امام ببر و درخواست کن تا مطلبی را در رابطه با رزمندگان روی عکس مرقوم فرمایند. گفتم طبق معمول معید است که غیر از امضاء چیز دیگری بنویسند. ولی هنگامی که مشرف شدم و مطلب را به عرض رساندم، حضرت امام بدون تأمل قلم برداشتند و در کنار عکس، این جملات را همانگونه که در تصویر فوق آمده نوشتند:



بسمه تعالی

از خداوند تعالی پیروزی نهائی رزمندگان عزیز را خواستارم. عزیزان من بکوشید، خداوند تعالی با شما است. اینجانب دست و بازوی شماها را می بوسم. والسلام علیکم ورحمة الله. روح الله الموسوی الخمینی

نامه یک دانش آموز ۱۲ ساله :

بسم الله الرحمن الرحیم

سلام علیکم- امیدوارم که حالت ای امام عزیزمان، ای رهبر گرامی، خوب باشد و همیشه در سلامتی کامل بسر ببرید.